

" نقد ودراسة ترجمة محمد علاء الدين منصور لرواية اسماعيل فصيح**(شتاء ۸۴)**

م.د. رفل موفق عبدالهادي

كلية اللغات / جامعة بغداد/ قسم اللغة الفارسية

Rafal.al-hadi@colang.Ubaghadad.edu.iq**نقد و بررسی ترجمه‌ی محمد علاء الدین منصور از رمان اسماعیل فصیح****(زمستان ۶۲)****چکیده**

ترجمه و به ویژه ترجمه‌ی متون ادبی ، با آن که اهمیت بسیاری در انتقال اطلاعات و تبادل فرهنگ و ادب میان ملت‌ها دارد ؛ اما ویژگی و ظرافت‌هایی نیز دارد و با دشواری‌هایی مواجه است . مترجم متون ادبی باید شرایط ویژه‌ای داشته باشد که نتیجه آن درک دقیق و عمیق زبان مبدأ و تسلط کافی به زبان مقصد ، برای انتقال بار معنایی متون ادبی است.

در این نوشتار ، نمونه‌هایی از سستی‌های ترجمه‌ی رمان اسماعیل فصیح (زمستان ۶۲) که استاد محمد علاء الدین منصور به زبان عربی ترجمه کرده است ، نقد و بررسی می‌شود. این بحث کوشا بوده که از معایبی که این ترجمه را در بر گرفته پرده بردارد ، و اهمیت این روایت و جایگاهش را در روایت‌های معاصر فارسی از دیدگاه مقطع تاریخی که در آن نوشته شده بیان کند ، و آن مقطع تاریخی دهی هشتاد قرن گذشته‌ی میلادی است که جنگ عراق و ایران سایه وانعکاس‌های خود را در آن زمان بر جامعه‌ی ایرانی افکند ، به ویژه جنوب ایران که حادثه‌های این روایت در آن رخ داده است.

ترجمه‌ی این روایت توسط استاد محمد علاء‌الدین منصور از اشتباهاتی برخوردار است که نمی‌شود آن‌ها را نادیده گرفت ، به همین خاطر پژوهشگر آن را نمونه‌ای برای بررسی سستی‌های ترجمه میان دو زبان عربی و فارسی در حال حاضر قرار داده است.

واژگان کلیدی : نقد ترجمه ، اسماعیل فصیح ، محمد علاء الدین منصور ، رمان زمستان ۶۲ .

مقدمه

در زمان ما ، انتقال مجموعه میراث‌های بشری از ملتی به ملتی دیگر واز
زبانی به زبانی دیگر ، از جمله مهم‌ترین ابزار توسعه‌ی تمدن جدید به شمار می
آید. بر هیچ کس پوشیده نیست که در این انتقال ، ترجمه اساسی‌ترین نقش را بر
عهده دارد. امروزه تقریباً همه ملت‌های جهان از راه ترجمه با یکدیگر در ارتباط
هستند که مظاهر این تأثیر را در بیشتر زمینه‌های زندگی و مقوله‌های علوم با
چشم خود مشاهده می کنند.

ترجمه ، از دیرباز نقشی میان دو ملت ایران و عرب ایفا کرده است و موجب
نزدیکی این دو ملت و تأثیرپذیری دو زبان فارسی و عربی از یکدیگر شده است.
در دوره‌ی معاصر ، مترجمان عرب آثاری از شاعران و نویسندگان ایرانی به عربی
ترجمه کرده‌اند که در میان آن ادبیات داستانی ، داستان جایگاه خاصی دارند. از
گذشته تا کنون ترجمه به منزله‌ی ابزاری برای انتقال اطلاعات و علوم از زبانی به
زبان دیگر اهمیت بسیاری داشته است. تعدد زبان‌ها و ناممکن بودن آشنایی
همگان با زبان‌های مختلف و همچنین نیاز و ضرورت تبادل اطلاعات میان
صاحبان زبان‌های مختلف ، به ویژه در عصر ارتباطات و اطلاعات اهمیت ترجمه
دو چندان کرده است.

به همان میزان که ترجمه اهمیت دارد ، با حساسیت و دشواری‌هایی نیز روبه-
روست؛ این حساسیت و دشواری در متون ادبی نمود بیشتری می یابد. به گونه‌ای
که می توان گفت ترجمه‌ی متون ادبی به ویژه داستان به دلیل ظرافت‌ای معنایی و
پیچیدگی‌های لفظی از عهده‌ی هرکسی برنمی آید و مترجم این متون باید ویژگی-
های خاصی داشته باشد و تمام تلاش خود را به کار گیرد تا همه‌ی جوانب معنایی
کلام را انتقال دهد. (نیومارک ، ۲۰۰۶ : ۲۷۸) (Newmark, 2006 : 278)

ترجمه‌ی متون ادبی فارسی به زبان عربی نیز از این قاعده‌ی کلی مستثنا
نیست ، با وجود تاریخ طولانی مشترک دو زبان فارسی و عربی و اشتراک در
حروف و بسیاری از واژگان ، هر یک از این دو زبان ، با توجه به دستگاه
دستوری و زبان‌شناسی خاص خود ، زبان مستقلی به شمار می آیند ؛ دشواری‌های
ترجمه‌ی هر یک از این دو زبان به دیگری کمتر از زبان‌های دیگر نیست. با
این حال ، علاقه‌مندان به فرهنگ و ادب فارسی همواره کوشیده‌اند تا متون ادبی
فارسی اعم از نثر و نظم را به زبان عربی برگردانند واز این طریق ، زمینه‌ی
آشنایی عرب‌زبانان را با ادبیات غنی فارسی فراهم آوردند. در دوره‌ی معاصر ،

ترجمه‌ی ادبیات معاصر به ویژه ادبیات داستانی به زبان عربی کم‌پیش رونق داشته است و عده‌ای از عرب‌زبانان آشنا به زبان فارسی، به ترجمه‌ی داستان‌هایی از داستان‌نویسان و صاحب سبک زبان فارسی اقدام کرده‌اند. اما مترجمان تا چه حد در ترجمه‌ی درست داستان‌ها موفق بوده‌اند و تا چه حد توانسته‌اند معنا و مفهوم و ظرافت‌های ادبی و سرانجام روح حاکم بر داستان را با توجه به سبک نویسنده از زبان مبدأ به زبان مقصد دنبال کنند، مسئله‌ی مهمی است که کمتر بدان توجه شده است و باید بررسی شود.

در این نوشتار، نمونه‌هایی از سستی‌های ترجمه‌ی رمان اسماعیل فصیح (زمستان ۶۲) که استاد محمد علاء الدین منصور به زبان عربی ترجمه کرده است، نقد و بررسی می‌شود. این بحث کوشا بوده که از معایبی که این ترجمه را در بر گرفته پُرده بردارد، و اهمیت این روایت و جایگاهش را در روایت‌های معاصر فارسی از دیدگاه مقطع تاریخی که در آن نوشته شده بیان کند، و آن مقطع تاریخی دهه‌ی هشتاد قرن گذشته‌ی میلادی است که جنگ عراق و ایران سایه و انعکاس‌های خود را در آن زمان بر جامعه‌ی ایرانی افکند، به ویژه جنوب ایران که حادثه‌های این روایت در آن رخ داده است.

– اسماعیل فصیح: زندگی، سبک و آثار وی

۱- شمه‌ای از زندگی اسماعیل فصیح:

اسماعیل فصیح نویسنده و رمان‌نویس و مترجمی است ایرانی و با استعداد که در سال ۱۹۳۴ میلادی در تهران متولد شد، و دوره تحصیلی دبستان و دبیرستانی خود را نیز همان‌جا به اتمام رساند، سپس به ایالات متحده‌ی آمریکا سفر کرد و تحصیل دانشگاهی خود را آن‌جا از سر گرفت.

اسماعیل فصیح پس از برگشت به ایران در سال ۱۹۶۳ میلادی در اداره‌ی امور آموزشی در شرکت نفت ایران شروع به کار کرد، پس از آن در دانشکده‌ی نفت در آبادان که در جنوب ایران واقع شده شروع به تدریس نمود، و پس از نوزده سال کار تدریسی در سال ۱۹۸۰ میلادی بازنشسته شد.

او پس از بازنشستگی در تهران مستقر شد تا آن‌که در سال ۲۰۰۹ میلادی در بیمارستان شرکت نفت در تهران، در اثر سکته‌ی مغزی درگذشت. (قاسم زاده، ۲۶۵: ۱۳۸۳) (Qasimzadeh, 1983 : 265)

۲- سبک نوشتاری اسماعیل فصیح :

اسماعیل فصیح در دوره‌ی فعالیت ادبی‌اش آثار بسیار از خود به جای گذاشته و تأثیرات قابل تأملی بر دیگران گذاشته است و البته آن‌چنان که در مورد هر فعالیت اجتماعی مصداق دارد ، از دیگران نیز تأثیر پذیرفته است.

یکی از ویژگی‌های قابل توجه فصیح این بوده است که در داستان‌هایش همیشه گوش به زنگ حوادث و رخداد‌های اجتماعی ملتی بوده است که آن‌ها و برای عموم آن‌ها نوشته است. و همین مسئله‌ی جامعیت قابل توجه‌ای به آثارش داده است ، به طوری که موضوع داستان‌هایش ملغمه‌ی آشنایی از خون ، عشق و جنگ ، گریز و مهاجرت ، فشار و تنهایی است که گویی تمام این‌ها دیگر جزو جدایی ناپذیر خاطرات تاریخی ملت ایران است. (میر عابدینی، ۱۳۶۹: ۲۶۶) (Mirabedini, 1369 : 266)

آثار اسماعیل فصیح غالباً حکم زندگی‌نامه نسلی سردرگم و سرخورده را دارند. نسلی که هنوز گیج و سردرگم حوادث و رویداد‌های پرشر و شور پیرامونش بوده است که با کودتا و اختناق پس از آن مواجه شده است. (یزدانی خرم ، ۱۳۸۶: ۱۲۱) (Yazdani Khoram, 1386 : 121)

داستان‌های اسماعیل فصیح از این منظر نیز قابل توجه‌اند که توانسته‌اند بن مایه‌ی بسیاری از آثار پس از خود باشند. بافت مشترک داستان‌های او را به این نتیجه می‌رساند که او هرگز در پی ارائه طرح‌های دگرگونه در آثار خود نیست. خواننده ایرانی در تمامی این سال‌ها انواع شیوه‌ها و سبک‌های ادبی را پا به پای تجربه‌های نویسندگان نواندیش آزموده است و البته اندیشه‌های پیدا و پنهان هر کدام را به فراخور شرایط خود و جامعه دریافته است.

به رغم آن که فصیح از بسیاری موضوعات گذشته و حال و جامعه پیر و خسته ایرانی در داستان‌هایش به عنوان بن مایه استفاده کرده است ، اما در نهایت به نظر می‌رسد که حرف واحدی داشته است. او در داستان‌های وقایع نگارانه‌اش برای جبر و تأثیرات محیط بر جامعه اهمیت ویژه‌ای قائل است. نوعی ساده انگاری و تسلیم نسبت به کل فلسفه هستی در آثار فصیح به چشم می‌خورد که همراه با به کارگیری برخی تکنیک‌ها و عادات ادبی همچون توضیح دقیق و در عین حال طنزگونه برخی موقعیت‌های داستان و از درجه اعتبار ساقط کردن بسیاری از فجایع ، عده‌ای را متقاعد کرده است تا سبک ادبی وی را متأثر از آثار همینگوی بدانند. به نظر می‌رسد که نوعی پوچی در آثار فصیح حضور

دایم دارد ، البته نه از نوع فلسفی و هدایت‌گونه‌اش. نوعی پوچی که پذیرای همه چیز است و شخصیت‌ها تنها در پی حل مشکلات روزمره زندگی ، بدون وابسته شدن به آن ، هستند و نه معضلات ازلی وابدی و فلسفی آن. از منظر دیگری شاید بتوان این خصوصیت آثار فصیح را با حضور نوعی عرفان‌گرایی در داستان‌های او مرتبط دانست ؛ البته نه از جنس عرفان ابزاری امروز یا عرفان سخت‌گیر و جانکاه دیروز. عرفانی که از زندگی و مادیات را جدی و لازم می‌داند اما در عین حال مخاطبش را از وابستگی به آن نهی می‌کند. خواننده حرفه‌ای ادبیات پس از چندی در می‌یابد که شخصیت اصلی و راوی بسیاری از آثار فصیح ، جلال آریان ، تقریباً در تمامی آثار ، شخصیتی مشابه از خود به نمایش می‌گذارد و حوادث مشابهی را پیرامون خود تجربه می‌کند. این احساس تا آنجا پیش می‌رود که خواننده گمان می‌کند شخصیت جلال آریان جلوه‌ای از شخصیت خود نویسنده است. (میر عابدینی ، ۱۳۸۳ : ۶۳۸)

(Mirabedini,1383 : 638)

خوبی مطلق و معصومانه در آثار فصیح و کم‌وپیش محکوم به فنا است. به نظر می‌رسد نویسنده سعی دارد یک الگوی متوسط و کاربردی و به دور از هرگونه ایده‌آل‌گرایی و نهایتاً "آریان" گونه را برای مخاطبان خود تجویز کند و شاید هم سعی دارد که باورهای جامعه‌ای را که نابودی خوبی مطلق را بیش از بارور شدنش می‌پسند ، به چالش فردا فرا خواند. (میرعابدینی ، ۱۳۸۳ :

(Mirabedini,1383 : 647) (۶۴۷)

نکته‌ی دیگری که در آثار فصیح به چشم می‌خورد ، سمبولیسم پنهانی است که زیر پوست داستان‌های او حضور دارد. این ویژگی حتی در نامگذاری شخصیت‌های داستان‌های فصیح نیز جلوه می‌کند.

اسماعیل فصیح تحت تاثیر روش نوشتاری محمدعلی جمال زاده و بزرگ علوی قرار گرفت و از شیفتگان آثار صادق چوبک ، فروغ فرخزاد و ارنست همینگوی بود. (میر صادقی، ۱۳۷۹ : ۲۳۱) (Mirsadeqi,1379 : 231)

۳- نگاهی به آثار اسماعیل فصیح :

آثار اسماعیل فصیح مورد توجه ویژه کتابخوانان ایرانی قرار گرفت، او از اندک راویان ایرانی است که به قلب‌ها و اذهان عموم ایرانیان نفوذ کرده بدون این‌که نوشتار خود را تا حد سستی و زشتی پایین بیاورد ، بسیاری از داستان‌ها و روایت‌های او به تجربه‌های شخصی‌اش در زندگی ارتباط مستقیم دارند ؛ زیرا او

همسر اولش را رها کرده در حالی که از درد زایمان رنج می‌برد و این مسأله در زندگی فصیح غم عمیقی به جا گذاشت ، او این غم خود را به "داستان عشق و مرگ" توصیف کرده. (بدیع ، ۱۳۷۹ : ۳۴) (Badie, 1379 : 34)

زندگی ادبی اسماعیل فصیح سرشار از ثمره بود و زندگی دانش‌پژوهی او نیز همین‌گونه بود ، او توانست بسیاری از آثار هنری خود را پیش از مرگ به جای بگذارد :

أ- داستان ورم‌ها :

- ۱- دل کور / ۱۹۶۸ م.
- ۲- داستان جاوید / ۱۹۷۲ م.
- ۳- ثریا در اغما / ۱۹۸۴ م.
- ۴- درد سیاوش / ۱۹۸۵ م.
- ۵- زمستان ۶۲ / ۱۹۸۴ م.
- ۶- شهباز و جغدان / ۱۹۹۰ م.
- ۷- فرار فروهر / ۱۹۹۳ م.
- ۸- بادیه کهن / ۱۹۹۴ م.
- ۹- اسیر زمان / ۱۹۹۴ م.
- ۱۰- ناه بر حافظ / ۱۹۹۶ م.
- ۱۱- کشته عشق / ۱۹۹۷ م.
- ۱۲- طشت خون / ۱۹۹۷ م.
- ۱۳- بازگشت به درخون‌گاه / ۱۹۹۷ م.
- ۱۴- کم‌دی و تراژدی پاریس / ۱۹۹۸ م.
- ۱۵- لاله برافروخت / ۱۹۹۸ م.
- ۱۶- نامه به دنیا / ۲۰۰۰ م.
- ۱۷- در انتظار / ۲۰۰۰ م.
- ۱۸- گردابی چنین هایل / ۲۰۰۲ م.
- ۱۹- تلخکام / ۲۰۰۷ م.

ب- مجموعه داستان‌ها :

- ۱- خاک آشنا / ۱۹۷۰ م.
- ۲- دیدار در هند / ۱۹۷۴ م.
- ۳- عقد / ۱۹۷۸ م.

۴- برگزیده داستان‌ها / ۱۹۸۷ م.

۵- نمادهای دشت مشوش / ۱۹۹۰ م.

ج- ترجمه‌ها :

۱- وضعیت دیگر

۲- بازی‌ها ؛ روانشناسی روابط انسانی.

۳- ماندن در وضعیت دیگر.

۴- استادان داستان.

۵- رستم‌نامه.

۶- خودشناسی به روش یونگ.

۷- تحلیل رفتار متقابل در روانی درمانی.

۸- شکسپیر : زندگی ، خلاصه کل آثار / هملت.

۹- خواهر کوچیکه. (<https://ar.wikipedia.org>)

- نگاه تاریخی به ترجمه میان عربی و فارسی

ترجمه میان عربی و فارسی بسیار کهن است، زیرا زبان پلهوی (فارسی قرون وسطی) و پس از آن فارسی اسلامی (دژی مدرن) از سرشارترین منابع ترجمه به زبان عربی بوده است، ابن الندیم نیز از فهرست‌هایی که یاد کرده فهرستی است که نام برخی از مترجمان که از زبان فارسی به زبان عربی ترجمه کرده اند مانند ابن المقفع والحسن ابن سهل وآل نوبخت.

در قرن‌های اول ظهور اسلام، حرکت نقل از زبان فارسی ادامه داشت به خصوص در دوران حکومت اول عباسی، زیرا با ادب عربی آمیخته شد و در آن نوب گردید، این امر باعث شد دکتر محمد مجدی آن‌ها را در یک کتاب به عنوان "ترجمه و نقل از زبان فارسی در قرن‌های اول اسلامی" جمع کند، که آن کتاب فرید و ویژه‌ای شد مثل کتاب‌های تاج و آیین. (شکیب انصاری، ۱۳۸۴: ۷۵) (Shakib Ansari, 1384 : 75)

حرکت ترجمه میان دو زبان عربی و فارسی در قرن‌های پیشین ادامه داشته به صورتی که این دو زبان به یکدیگر چنان تأثیری گذاشتند که هیچ یک از زبان‌های دنیا به هم نداشته‌اند در حالی که زبان عربی ۵۰ تا ۶۰ درصد زبان فارسی را تشکیل می‌دهد چه شعر و چه نثر، و از آن رو تعداد کلمات قابل توجهی در زبان عربی وجود دارد که از زبان فارسی سرچشمه گرفته است.

(شکيب انصاری ، ۱۳۷۹: ۱۲۲) : 1379 Shakib Ansari, (122)

این عجین و آمیخته شدن میان این دو زبان در را به روی کوشش‌ها کاملاً باز کرد تا میان ادب این دو زبان مقایسه‌ای اجرا شود چه کهن و چه مدرن، و نیز مسیر ترجمه میان این دو زبان گاهی بالا می‌گرفت و گاهی کند می‌شد، به همین خاطر سرشناس ادب عربی معاصر - طه حسین - پژوهشگران را به از سرگرفتن ارتباطات با زبان‌ها و ادبیات شرقی که در ضمن آن‌ها زبان فارسی هم هست، تشویق کرد.

ظاهراً این فراخوانی گوش شنوایی داشته است؛ زیرا ادبای عرب به از سرگرفتن ترجمه و نقل از زبان فارسی پرداختند با ترجمه‌ی برخی از شاهکارهای شعری از مردان شعر فارسی مانند سعدی و حافظ و جلال الدین رومی و شاهنامه فردوسی و رباعیات خیام به علاوه نوشته‌های برخی دیگر از شعرا و راویان معاصر مانند نیما یوشیج، فروغ فرخزاد، اسماعیل فصیح و دیگران، همین گونه ایرانیان از ادب دیرین و معاصر عربی نقل و ترجمه کردند، هم نثر و هم شعر اما کوشش‌های پژوهشگران در مورد ترجمه هنوز منظم نشده است و از دقت اندکی برخوردار است.

- نقد و بررسی نمونه‌هایی از سستی‌های ترجمه‌ی رمان (زمستان ۶۲)

اسماعیل فصیح بدون اغراق یکی از اولین نویسندگانی بود که به موضوع جنگ ایران و عراق پرداخت و رمان "زمستان ۶۲" او شرحی بر این جنگ است. این رمان شاهکار ادبیات جنگ به زبان فارسی تلقی می‌گردد. به طور کلی "زمستان ۶۲" یکی از موفق‌ترین کتاب‌ها در زمینه‌ی جنگ است که بر مبنای واقعیت‌ای جامعه جنگ زده آن زمان نوشته شده و با خواندن آن روزها و خاطره‌های سپری شده در ذهن خواننده تداعی می‌شود. (حنیف، ۱۳۸۶: ۲۷۶) (Hanif, 1386 : 276)

۱- خلاصه‌ی رمان (زمستان ۶۲)

در دی ماه ۱۳۶۲ جلال آریان، استاد بازنشسته‌ی دانشکده‌ی نفت آبادان به طور اتفاقی به همراه دکتر منصور فرجام، متخصص کامپیوتر از آمریکا به اهواز می‌رود تا ادیس پسر بسیجی مستخدمش را که در خلال جنگ مفقود شده است، بیابد. وی سپس با دکتر منصور فرجام جوانی که می‌خواهد مرکز تکنولوژی کامپیوتری را برای شرکت نفت راه اندازی کند، بیشتر آشنا شود. جلال

آریان در اهواز دوستانی دارد منصور فرجام در جریان مرادده با آنها مهمترین تصمیم زندگی‌اش را می‌گیرد. دکتر فرجام بعد از مدت کوتاهی با مقررات دست و پا گیر اداری و عدم نظم در کارهای شرکت نفت درگیر شده ، از کار دلسرد می‌شود. سرانجام برای نجات جان سربازی که چشمان نامزدش شبیه چشمان فوت شده اوست ، به جای او به خط مقدم جبهه رفته و شهید می‌شود ؛ تا سرباز بتواند با کارت او به همراه نامزدش به خارج کشور سفر کند. جلال آریان نیز برای نجات مریم جزایری از دست مردی مذهبی و بی‌رحم به نام ابو غالب ، مجبور به طور مصلحتی با او ازدواج کند. بالاخره ، ادیس را که حالا معلول شده ، پیدا کرد ، با او به طرف تهران باز می‌گردد. در خاتمه جلال آریان با خود می‌اندیشد که چرا بایستی به همراه منصور فرجام متخصص کامپیوتر به اهواز رفته باشد و اکنون با ادیس، سیگار فروش معلول بازگردد؟ (بدیع ، ۱۳۷۹ : ۷۸)

(Badie, 1379 : 78)

۲- سبک نوشتار و ویژگی‌های رمان (زمستان ۶۲)

نویسنده این رمان به توصیف جامعه‌ای پرداخته که در آن فشارها و تنش‌ها حاصل از جنگ تحمیلی بر مردم وارد می‌شود. رمان از دیدگاه اول شخص و به شیوه خاطرهنویسی از سوی جلال آریان که خود به نوعی همزاد نویسنده است روایت می‌شود. بیانی ساده ، سر راست ، طبیعی ، بذله‌گو ، همراه با توصیف دقیق محافل و مجالس ، زیبایی طنزآلود ، تند و گاه شاعرانه، لحنی منتقدانه آمیخته با کنایه‌های سیاسی ، رمان‌های فصیح از جمله رمان "زمستان ۶۲" را برای خواننده جذاب نموده است.

داستان "زمستان ۶۲" دارای یک طرح ساده بر اساس موضوع زندگی و مرگ منصور فرجام است که در کنار آن موضوع‌های دیگری نیز مطرح می‌شود. داستان دارای طرح منسجم و معقولی است که تمام عناصر داستان را به جا در خود دارد. جلال آریان راوی داستان شخصیت‌هایی را از بین افرادی که می‌شناسد انتخاب کرده با دادن نقش‌های شبیه به هم به آنها ، تپیی از روشنفکران آن زمان را نشان می‌دهد و چون با این تیپ افراد آشنایی دارد در نشان دادن رفتار و خلیات آنها موفق عمل می‌کند. معرفی غیر مستقیم شخصیت‌ها از طریق توصیف ظاهر و طرز صحبت کردن آنها یکی از ویژگی‌های این رمان است. (أجاکیانوس ، ۱۳۸۶ : ۶۴) (Ajaccianus, 1386 : 64)

زمان داستان مربوط به حوادث سه ماه زمستان سال ۶۲ است. مکان کلی وقایع، جنوب ایران به ویژه اهواز است. راوی فضای داستان را بیشتر شبیه یک صحنه تئاتر پردازش نموده، سعی کرده خارج از صحنه چیزی را بازگو نکند. توصیف صحنه‌های داستان در مواردی بسیار قوی و تأثیر گذار است. نویسنده عموماً در نشان دادن مکان‌هایی که برای خواننده نا آشناست اصرار دارد و چنان فضا را تصویر کند که خواننده بتواند تمام آن را در ذهن خود ببیند.

روند کلی رمان به صورت گفتگو است و شخصیت‌های داستان را از دل همین گفتگو معرفی می‌کند که البته گاهی همین گفتگوها طولانی رمان را کمی کسالت آور می‌کند. فضای داستان علی‌رغم زبان طنز آلود راوی سراسر سیاهی و تاریکی، صدای گلوله‌ها و شیون و مرگ است. با توجه به این که نویسنده خود تأکید دارد در تمام داستان را پس از اتفاقاتی که افتاده نوشته و نوع زاویه دید و پنهان نگه داشتن توطئه، این سبک را تقویت می‌کند. (أجاکیانوس، ۱۳۸۶: ۶۷) (Ajaccianus, 1386 : 67)

بیشترین چیزی که از این روایت در ذهن‌ها می‌ماند، انبوه عاشقان شهادت از پیر و جوان بود در حالی که آن‌ها گروه گروه به جبهه می‌آمدند و شهادت را می‌خواستند که توجه قهرمان این روایت - منصور - را به خود جلب کرده بودند، انگار فصیح می‌خواهد این را بگوید که 'اوج عشق و از خود گذشتگی این است که انسان در راه دفاع از وطن و سرزمین خود بمیرد'. (سلیمانی، ۱۳۸۰: ۱۲۳) (Soleimani, 1380 : 123)

۳- نمونه‌هایی از سستی‌های ترجمه‌ی رمان "زمستان ۶۲"

از آثاری که ترجمه شده رمان "زمستان ۶۲" توسط نویسنده‌ی ایرانی اسماعیل فصیح انجام شده است که ترجمه آن را محمد علاء الدین منصور بر عهده داشته، ضمن پروژه ملی ترجمه که در سال ۲۰۰۰ میلادی به چاپ رسیده است، هنگام مقایسه این ترجمه با اصل آن، نمایان می‌شود که مترجم تلاش بسیاری در ترجمه‌ی این رمان داشته که مورد ستایش می‌باشد، چنانچه می‌توان گفت او تعادل معنوی - دلالتی دو زبان را در این رمان میان دو متن اصل و ترجمه برقرار کرده است یا به آن تعادل نزدیک شده است، زیرا هنگامی که معنای ترجمه‌ی متن به معنای متن اصلی که از آن ترجمه شده، تأثیری که اثر هنری بر جوینده‌ی آن می‌گذارد نزدیک به تأثیری می‌شود که در گیرنده‌ی همان اثر در زبان هدف است، زیرا این تأثیر را نمی‌توان کاملاً به هر دو گیرنده در دو زبان

به یکسان رساند ، و این همان مبنایی است که می توان با آن درست یا نادرست بودن ترجمه را بیان کرد ، ولی در عین حال نمی توان اثر بخش بودن کلی ترجمه را بیان کرد ، زیرا آن بخشی از نقد ترجمه است و می بایست موضعی و قابل درک باشد. (منصور ، ۲۰۰۰ : ۵) (Mansour, 2000 : 5)

هنگامی که این رمان را با دقت و تأمل مطالعه می کردم ، برایم نمایان شد که متأسفانه متن ترجمه اندکی از کوتاهی در ساختار معنای متن و اشتباهاتی است ، که در نتیجه گیرنده یا خواننده متن را به سردرگمی وا می‌دارد ، به دلیل این که هماهنگی در معانی واژه‌های متن اصلی در متن ترجمه‌ای از دست رفته است ، و بسیاری از اشتباهات به آن دلیل رخ داده است که مترجم از واژه‌های عربی که در زبان فارسی استفاده شده است ، در ترجمه‌ی خود به زبان عربی استفاده کرده است که مفهوم آن‌ها در زبان عربی چیز دیگری است ، به علاوه ناشناخت بودن دلالت‌های دقیق برخی از واژه‌ها و اصطلاحات فارسی برای مترجم ، یا غیر مفهوم بودن ساختار نحوی ، و همبستگی جملات ، لهجه‌ی محلی زبان فارسی که در گفتگوهای رمان نقل شده نیز این اشتباهات را برای مترجم تشدید کرده است.

ما در این بحث نمونه‌هایی از اشتباهاتی که در ترجمه‌ی رمان آمده است ، بحث و بررسی کنیم :

- عبارت "سال چندی حالا؟" را "منذ متى؟" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "في أي سنة دراسية أنت؟" است. (ر.ک ، فصیح : ۵ - منصور : ۱۲) (refer to , Fasih :5- Mansour :12)

- عبارت "سال هفته که توی دانشکدهم از لحاظ واحد سال سومم" را "أنا في الكلية منذ سبع سنوات لا أزال بالفرقة الثالثة" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "أنا بالكلية منذ سبع سنوات و لكنني من حيث اجتياز الساعات المعتمدة ما زلت في السنة الثالثة" است. (ر.ک ، فصیح : ۵ - منصور : ۱۲) (refer to , Fasih :5- Mansour :12)

- عبارت "آقای دکتر خوش آمدید به جنگ تحمیلی گلف" را "سيدي الدكتور أهلاً و سهلاً بك في الحرب المفروضة للعبة الكولف" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "سيدي الدكتور أهلاً و سهلاً بك في حرب الخليج المفروضة" است. (ر.ک ، فصیح : ۶ - منصور : ۱۳) (refer to , Fasih :6 - Mansour :13)

- عبارت "حقیقی را یادم می آید ، تقریباً شاگرد اول سال یکی‌ها و عضو انجمن اسلامی دانشکده بود" را "وأتذكر حقيقي كان الطالب الاول تقريباً على دفعة الفرقة الأولى و عضواً بالجماعة الإسلامية بالكلية" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "في الحقيقة أتذكر أنه كان الطالب الأول على طلبة السنة الأولى وعضواً في الاتحاد الإسلامي في الكلية" است. (ر.ک، فصیح: ۸ - منصور: ۱۶) (refer to, Fasih :8 - Mansour :16)

- عبارت "هتل نادری کجاست؟ همونه که پایین تر از سی متریه؟" را "أين فندق نادري؟ هل هو نفس الفندق الذي يبعد جنوباً عنا بثلاثين متراً؟" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "أين يقع فندق نادري؟ هل هو الفندق نفسه الذي يبعد عنا ثلاثين متراً؟" است. (ر.ک، فصیح: ۱۵ - منصور: ۲۰) (refer to , Fasih :15- Mansour :20)

- عبارت "اونجا زمان شاهشم آشغال‌دونی بود" را "هنا مولد و صاحبه غائب" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "كان ذلك الفندق في عصر الشاه مكباً للنفايات" است. (ر.ک، فصیح: ۱۸ - منصور: ۲۵) (refer to , Fasih :18- Mansour :25)

- عبارت "دوست دارد در ایران در اهواز در حرفه‌ی سنتی پزشکی‌اش کارکنند" را "له اصدقاء في ايران و في الأهواز يعمل في مهنته الطبية القديمة" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "يحب أن يمارس عمله الطبي التقليدي الذي اعتاده في ايران و في الأهواز" است. (ر.ک، فصیح: ۱۹ - منصور: ۲۷) (refer to , Fasih :19- Mansour :27)

- عبارت "اما کار طبابتش را حتی پس از بازنشستگی هم می کند" را "لكنه استمر يعمل طبيباً حتى بلوغه سن التقاعد" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "لكنه استمر يعمل طبيباً حتى بعد التقاعد" است. (ر.ک، فصیح: ۱۹ - منصور: ۲۷) (refer to , Fasih :19- Mansour :27)

- عبارت "چیزی هم که نمی زنی؟" را "و هل لا تتشغل بأي شيء؟" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "ألا تتناول شيئاً؟" یعنی چیزی نمی نوشی؟" ، دوستش گفت: "فعلاً باشه" که معنی آن به زبان عربی "ليس الآن" در حالی که مترجم این عبارت را به "يوجد شيء فعلاً" ترجمه کرده است. (ر.ک، فصیح: ۲۲ - منصور: ۳۲) (refer to , Fasih :22- Mansour :32)

- عبارت "وقتی تو تلفنی گفתי یه یار عزیز همراه داری ، اول خیال کردم به تور زدی" را "حين اتصالات بي وقلت أن معك صديقاً عزيزاً ، ظننت أولاً أنك قمت برحلة سعيد" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "ظننت أنك قد أوقعت في شباكك صيداً" است. (ر.ک ، فصیح : ۲۲ - منصور : ۳۳)
(refer to , Fasih :22- Mansour :33)

- عبارت "همه آرزو دارن و سر و دست می شکنن که برن اون ور" را "كلهم يتمنون ذلك و يتشجمون المصاعب لكي يأتوا به" (ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "کي يسافروا الى تلك النواحي" است. (ر.ک ، فصیح : ۲۳ - منصور : ۳۴)
(refer to , Fasih :23- Mansour :34)

- عبارت "دکتر با لبخند در شیشه را باز می کند" را "يفتح الدكتور مبتسماً الباب الزجاجي" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "يفتح الدكتور غطاء الزجاجة مبتسماً" است. (ر.ک ، فصیح : ۲۴ - منصور : ۳۵)
(refer to , Fasih :24- Mansour :35)

- عبارت "خودشه ، اون تو رو می شناسه که برای کوروش شایان کار می کردی" را "هي نفسها ، أنك تعرفها بالصدفة و كانت تعمل بإسم كوروش شایان" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "هي نفسها ، فهي تعرفك عندما كنت تعمل لدى كوروش شایان" است. (ر.ک ، فصیح : ۳۰ - منصور : ۴۱)
(refer to , Fasih :30- Mansour :41)

- عبارت "و دکتر هم قبلاً از زن اولش دو تا بچه داشت که فوت کرده بود" را "و كان للدكتور أيضاً من زوجته الأولى طفلان وافتهما المنية" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "...عندما وافتها المنية" است. (ر.ک ، فصیح : ۳۲ - منصور : ۴۳)
(refer to , Fasih :32- Mansour :43)

- عبارت "ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی" را "يا ملك الحسان بسبب هموم الوحدة" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "يا ملك الحسان أنصفنا من غم الوحدة" است. (ر.ک ، فصیح : ۳۴ - منصور : ۴۸)
(refer to , Fasih :34- Mansour :48)

- عبارت "یکی در پایه‌ای سینه خیز می رود" را "أحدهم يسير اسفل تل مرتفع" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "أحدهم يزحف اسفل تل مرتفع" است. (ر.ک ، فصیح : ۳۵ - منصور : ۴۹)
(refer to , Fasih :35- Mansour :49)

- عبارت "دو برادر خیلی جوان رو به روی هم پشت میز کار بزرگ مشغولند" را "إنشغل اخان شابان يواجه أحدهما الآخرعلى مكتبين كبيرين في أمر عظيم) ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "إنشغل أخوان شابان يواجه أحدهما الآخر خلف مكتبين كبيرين" است. (ر.ک ، فصیح : ۴۱ - منصور: ۵۵) (refer to , Fasih :41- Mansour :55)

- عبارت "در رژیم سابق کارمند جزئی در آموزش پرسنل بود" را "كان في النظام السابق موظفا بسيطا في ادارة التعليم و الكوادر) ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن " كان في النظام السابق موظفا بسيطا في ادارة تعليم الكوادر" است. (ر.ک ، فصیح : ۴۵ - منصور: ۵۹) (refer to , Fasih :45- Mansour :59)

- عبارت " و چون همه را عصبانی می کرد ، هیچ جا بند نشده بود" را " و لأنه كان يثير الجميع فلم يمسك رئاسة إدارة التعليم" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن " و لأنه كان يثير الجميع فلم يستقر في مكان ما اطلاقاً" است. (ر.ک ، فصیح : ۴۵ - منصور: ۵۹) (refer to , Fasih :45- Mansour :59)

- عبارت "روشنی چی می‌گم؟" را "ان هذا لا يحتاج الى توضيح و شرح" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "هل تفهم ما اقول؟" است. (ر.ک ، فصیح: ۴۶ - منصور: ۶۱) (refer to , Fasih :46- Mansour :61)

- عبارت "براندازم می کند" را "يجعلني أقف" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "ينظر اليّ نظرة فاحصة" است. (ر.ک ، فصیح : ۴۷ - منصور: ۶۲) (refer to , Fasih :47- Mansour :62)

- عبارت "دارم فقط رد می‌شم" "أعزل فقط" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "أعبر الطريق فحسب" است. (ر.ک ، فصیح : ۴۸ - منصور: ۶۳) (refer to , Fasih :48- Mansour :63)

- عبارت "خسته میشد" را "ربنا يعطيك العافية" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "سوف تتعبين" است. (ر.ک ، فصیح : ۴۸ - منصور: ۶۳) (refer to , Fasih :48- Mansour :63)

- عبارت "پس برای همین بود که گفتید چه تصادفی؟" را "إنن فلماذا قلت عندما رأيتني يا لها من مصادفة؟" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "إنن كان

من أجل هذا عندما قلت يا لها من مصادفة؟" است. (ر.ک ، فصیح : ۴۹ - منصور: ۶۵) (refer to , Fasih :49- Mansour :65)

- عبارت "میرم جای دوست جدیدم ببینم جا افتاده یا نیفتاده" را "انا ذاهب عند صديق جديد لأرى هل ما يزال حياً أم ميتاً" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "انا ذاهب عند صديقي الجديد لأرى هل استقرت أوضاعه أم لا" است. (ر.ک ، فصیح : ۵۱ - منصور: ۶۷) (refer to , Fasih :51- Mansour :67)

- عبارت "... يا جان لطيفند يا مار كثيف" را " اما ارواح لطيفة او أفاعي كثيفة" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "... أو أفاع قذرة" است. (ر.ک ، فصیح : ۵۱ - منصور: ۶۸) (refer to , Fasih :51- Mansour :68)

- عبارت "دکتر یار ناصر در بخش داخلی مشغول ویزیت است" را "الدكتور يار ناصر مشغول بعيادة المرضى في القسم الداخلي" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "الدكتور يار ناصر مشغول في معاينة المرضى في قسم الباطنية" است. (ر.ک، فصیح: ۵۲- منصور: ۶۹) (refer to , Fasih :52- Mansour :69)

- عبارت "مرکز توانبخشی در 'امانیه' حدود خیابان عارف است" را "مركز التأهيل في 'امانیه' بشارع خیابان" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "مركز التأهيل يقع في 'امانیه' قرب شارع عارف" است. (ر.ک ، فصیح : ۵۴ - منصور: ۷۴) (refer to , Fasih :54- Mansour :74)

- عبارت "معلول‌ها و افلیج‌ها رو میارن برق میذارن" را "يأتون بالمعاقين و المشلولين و يکشفون عليهم" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "يأتون ... و يخضعونهم للعلاج بالكهرباء" است. (ر.ک ، فصیح : ۵۹ - منصور: ۷۷) (refer to , Fasih :59- Mansour :77)

- عبارت "چشم‌تان بی بلا" را "موفق ان شاء الله" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "سلمت عيناك" است. (ر.ک ، فصیح : ۶۵ - منصور: ۸۳) (refer to , Fasih :65- Mansour :83)

- عبارت "دهان دره‌ای می کنم ..." را "اقفل صنوبر الماء ..." ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "أنتائب" است. (ر.ک ، فصیح : ۶۵ - منصور: ۸۴) (refer to , Fasih :65- Mansour :84)

- عبارت "شروع کرده‌ام بهم زدن چای" را "بدأت في شرب الشاي" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "بدأت بتحريك الشاي" است. (ر.ک، فصیح: ۶۶- منصور: ۸۴) (refer to, Fasih :66- Mansour :84)

- عبارت "در خانه حجاب را هم حفظ کرده اما نه به آن شکل و شمایل سفت و سخت ... " را "ستروا باب المنزل بستارة لكن ليست بالشكل القاسي المتصلب ... " ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "حافظت على حجابها في المنزل أيضا لكن ليس بذلك الشكل المتزمت والمتشدد" است. (ر.ک، فصیح : ۷۸ - منصور: ۹۸) (refer to , Fasih :78- Mansour :98)

- عبارت "فکر کردم میخوای بگی مشمول" را "اعتقدت انك تريد أن تقول أنك مصاب بعدم الاهتمام" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "اعتقدت ... أنك مشمول" است. (ر.ک، فصیح : ۸۴ - منصور: ۱۰۵) (refer to , Fasih :84- Mansour :105)

- عبارت "استخدام خانمها فعلاً قدغنه ؛ بخشنامه محرمانه ست" را "توظيف البنات و السيدات ممنوع الآن ، فصل في محرم وسط الكتاب" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "توظيف الإناث حالياً ممنوع ؛ بموجب تعميم سري" است. (ر.ک، فصیح : ۸۴ - منصور: ۱۰۶) (refer to , Fasih :84- Mansour :106)

- عبارت "داوطلب است با ما بیاید تا برود (ملی راه) منزل زن دائی‌اش جای که فعلاً بیتوته می کند" را "و يطلب ان يأتي معنا لكي يصل الى منزل زوجة خاله في (ملی راه) او الطريق الدولي و هو مكان يزهدق الأنفاس حتى نبلغه" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "و يطلب و هو المكان الذي يبيت فيه حالياً" است. (ر.ک، فصیح : ۸۷ - منصور: ۱۰۹) (refer to , Fasih :87- Mansour :109)

- عبارت "من هم خودم نمی خواستم برم ، حالا باهاش میرفتم اجباری" را "كنت لا أريد أنا نفسي الهجرة و الآن لا بد أن أرحل مجبراً الى هؤلاء" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "أنا شخصياً كنت لا أريد الهجرة و الآن لا بد أن أذهب لأداء الخدمة الإجبارية (العسكرية)" است. (ر.ک، فصیح : ۹۱ - منصور: ۱۱۴) (refer to , Fasih :91- Mansour :114)

- عبارت "اون ایدئال داره ، بنیادگرا است" را "لديه أفكار و يعشق التأسيس" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "لديه أفكار مثالية و ذو فكر اصولي" است.

(ر.ک ، فصیح : ۹۹ - منصور : ۱۲۴) (۹۹- : Fasih refer to , (Mansour :124

- عبارت "تعارف نمی کنم" را "لا أعرف أحداً" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "لا أجمال أحداً" است. (ر.ک ، فصیح : ۱۲۲ - منصور : ۱۵۴) (refer to , Fasih :122- Mansour :154)

- عبارت "لا بد الآن خاموشی هم اجرا می کنند" را " لا بد أنهم يجرون نوبة سكوت الآن" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "من المؤكد أنهم الآن سيقومون بإطفاء الأنوار" است. (ر.ک ، فصیح : ۱۲۴ - منصور : ۱۵۶) (refer to , Fasih :124- Mansour :156)

- عبارت "مادام که بیوه مفسد فی الارض معدوم شایانه ممنوع الخروجه" را "ما دامت أرملة المفسدة في الارض للمعدوم كوروش شایان فيحرم خروجها" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "ما دامت أرملة المفسد في الارض ، المعدوم كوروش شایان فيمنع خروجها" است. (ر.ک ، فصیح : ۱۷۶ - منصور : ۲۱۶) (refer to , Fasih :176- Mansour :216)

- عبارت "اون شما رو نگاه می کنه آب میشه" را "إن من يركاك يذوب ضعفاً" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "هي عندما تراك تذوب في هواك" است. (ر.ک ، فصیح : ۱۹۴ - منصور : ۲۳۷) (refer to , Fasih) (Mansour :237- :194)

- عبارت "حاج آقا ما شانس آوردیم ما پارتی داشتیم ما رو فرستادن اینجا" را "يا حاج اتاحوا لنا الفرصة ، نحن كنا في حفلة لهذا ارسلونا الى هنا" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "يا حاج لقد حالفنا الحظ و كانت لنا (واسطة) حتى ارسلونا الى هنا" است. (ر.ک ، فصیح : ۲۷۸ - منصور : ۳۳۱) (refer to , Fasih) (Mansour :331- :278)

- عبارت "تسیم خنکی از لای پنجره می آید و روی پوست می خورد" را "تهب النسائم العليلة من داخل النافذة و تحك جلدي" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "تهب النسائم العليلة من داخل النافذة و تلامس جلدي" است. (ر.ک ، فصیح : ۳۰۷ - منصور : ۳۶۵) (refer to , Fasih :307- Mansour) (Mansour :365- :365)

- عبارت "اگر جای منصور بر دار نیست ؟ چرا عشق از او دست بردار نیست؟" را "اذا لم يكن مآل منصور (الحلاج) المشنقة - فلماذا لا نتخلي عن عشقنا

له؟" ترجمه کرده در حالی که معنای صحیح آن "اذا لم یکن مآل منصور(الحلاج) المشنقة - فما بال العشق یلازمه علی الدوام؟" است. (ر.ک ، فصیح : ۴۳۰ - منصور: ۵۱۱) (Fasih 430- Mansour refer to , 511:)

نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده از این پژوهش عبارت است از :

۱- مترجم به دلیل تسلط نداشتن زبانی و درک نکردن جنبه‌های مختلف فرهنگی متن اصلی با اشکالات زیاد مواجه شده است. وی از ترجمه‌ی بسیاری از کنایات، عبارات، اصطلاحات و حتی واژگان روزمره سرباز زده است که به دقت و پیگیری بیشتری نیاز داشته.

۲- مترجم در ایجاد ارتباط صحیح با خواننده‌ی زبان مقصد موفق نبوده است. همچنین، مترجم به دلیل نداشتن تسلط کامل به زبان فارسی و بالطبع درک نکردن صحیح عبارات و واژگان ، قادر به برگردان آن‌ها به زبان عربی نبوده است؛ به همین دلیل مترجم ترجمه‌ی تحت اللفظی را ارائه داده است.

۳- پایبندی صد درصدی مترجم به زبان مبدأ و سبک نوشتاری آن موجب سردرگمی خواننده شده است که عبارات و تعبیراتی را آفریده است که هیچ تناسبی با متن اصلی ندارد.

۴- در این ترجمه ، بعضی از عبارات و جملات ترجمه نشده است ، همچنین ، مفاهیم زیادی مغایر با اصل آن ترجمه شده است. این اشکالات از برداشت اشتباه مترجم از متن اصلی مایه می گیرد.

۵- مترجم به علت وفاداری شدید به حروف و کلمات گاهی به محتوای متن توجهی نکرده است. از نظر یوجین نایدا ، ترجمه‌ی وفادار ترجمه‌ای است که همان واکنشی را در خواننده ایجاد می کند که متن اصلی در خواننده خود ایجاد کرده است. (خزاعی فر ، ۱۳۸۲ : ۱۱) (Khazaei Far, 1382 : 11)

۶- مترجم خود را به زبان متن اصلی و فرهنگ لغت دو زبانه وابسته کرده است و لذا هیچ زیبایی و خلاقیتی در این ترجمه دیده نمی شود.

در پایان ، هنگامی که این رمان را با دقت و تأمل مطالعه می کنیم ، برایمان نمایان می شود که متأسفانه متن ترجمه اندکی از کوتاهی در ساختار معنای متن و اشتباهاتی است ، که در نتیجه گیرنده‌ی یا خواننده‌ی متن را به سردرگمی وا می‌دارد ، به دلیل این که هماهنگی در معانی واژه‌های متن اصلی

در متن ترجمه‌ی از دست رفته است، و بسیاری از اشتباهات به آن دلیل رخ داده است که مترجم از واژه‌های عربی که در زبان فارسی استفاده شده است، در ترجمه‌ی خود به زبان عربی استفاده کرده است که مفهوم آن‌ها در زبان عربی چیز دیگری است، به علاوه‌ی ناشناخت بودن دلالت‌های دقیق برخی از واژه‌ها و اصطلاحات فارسی برای مترجم، یا غیر مفهوم بودن ساختار نحوی، و همبستگی جملات، لهجه‌ی محلی زبان فارسی که در گفتگوهای رمان نقل شده نیز این اشتباهات را برای مترجم تشدید کرده است.

منابع

- أجاکیانوس، أناهید (۱۳۸۶)، نقد مجموعه آثار فصیح، تهران، فرهنگستان زبان و ادب.
- بدیع، عماد (۱۳۷۹)، اصل آثار فصیح (رمان‌ها)، تهران، انتشارات البرز.
- حنیف، محمد (۱۳۸۶)، جنگ از سه دیدگاه (نقد و بررسی ۲۰ رمان و داستان بلند جنگ)، تهران، انتشارات صریر.
- خزاعی فر، علی (۱۳۸۲)، ترجمه‌ی متون ادبی، تهران، انتشارات سمت.
- سلیمانی، بلقیس (۱۳۸۰)، تنگ و ترازو: نقد و تحلیل رمان‌های جنگ، تهران، انتشارات روزگار.
- شکیب انصاری، محمود (۱۳۸۴)، تاریخ ترجمه قبل و بعد از اسلام، مجله زبان و علوم قرآن، شماره ۱ و ۲، سال اول، دانشگاه اهواز.
- شکیب انصاری، محمود (۱۳۷۹)، ترجمه و تعریب، فصلنامه علمی و تحقیقی زبان و علوم قرآن، شماره ۱، سال اول، دانشگاه اهواز.
- فصیح، اسماعیل (۱۳۸۶)، زمستان ۶۲، تهران، انتشارات آسیم.
- قاسم زاده، محمد (۱۳۸۳)، داستان‌نویسان معاصر ایران، تهران، انتشارات هیرمند.
- منصور، محمد علاء الدین (۲۰۰۰م)، ترجمة رواية اسماعيل فصیح (شتاء ۸۴)، المجلس الأعلى للثقافة، القاهرة.
- میرصادقی، میمنت (۱۳۷۹)، رمان‌های معاصر فارسی، کتاب اول، تهران، انتشارات نیلوفر.
- میرعابدینی، حسن (۱۳۶۹)، فرهنگ داستان‌نویسان ایران، تهران، انتشارات بهار.

- میرعابدینی ، حسن (۱۳۸۳) ، صد سال داستان نویسی ایران ، تهران ، نشر چشمه.
- نیومارک ، پیتر (۲۰۰۶) ، الجامع فی الترجمة ، ترجمه‌ی دکتر حسن غزاله ، بیروت ، انتشارات الهلال.
- یزدانی خرم ، مهدی (۱۳۸۶) ، مقاله‌ای در باب اسماعیل فصیح ، مجله‌ی اعتماد، شماره ۲۱، فروردین ماه.
- < wiki > <https://ar.wikipedia.org> اسماعیل_فصیح -

Sources

- Ajaccianus, Anahid(1386A.H) , Collective criticism of the Fasih works, Tehran, Academy of Language and Literature.
- Badie, Emad, Fasih works (Novels) (1379A.H) , Tehran, Albors Publication.
- Fasih , Ismail(1386A.H), Winter of 84 , Tehran, Asim Publication.
- Hanif, Muhammad(1386A.H), War from three perspectives (Review of 20 novels and long stories of war) , Tehran,Sarir Publication.
- Khazaei Far, Ali(1382A.H),Translation of literary texts, Tehran, SMT publication.
- Mansour, Mohammad Alaeddin(2000A.D), Translation of the novel of Ismail Fasih (Winter 84) , Supreme Council of Culture, Cairo.
- Mirabedini, Hassan(1369A.H), Dictionary of Iranian Storytellers, Tehran, Bahar Publications.
- Mirabedini, Hassan(1383A.H) , One Hundred Years of Iranian Writing, Tehran, Cheshme Publication.
- Mirsadeqi, Maimanat(1379A.H), Contemporary Persian Novels, The first book, Tehran, Niloofar Publications.
- Newmark, Piter (2006A.D), The Compiler in Translation, Translated by Dr. Hassan Ghazaleh, Beirut, Alhilal Publication.
- Qasimzadeh, Mohammad(1383A.H), Contemporary Iranian storytellers , Tehran, Hirmand Publication.
- Soleimani, Balqis(1380A.H), The gun and the scale (critique and analysis of war novels) , Ruzgar publication.
- Shakib Ansari(1384A.H), Mahmood, History of translation before and after Islam, Quran Language and Science Magazine, No. 1 and 2, First year, Ahvaz University.
- Shakib Ansari(1379A.H), Mahmood, Translation and localization , Scientific and research of the language and

knowledge of the Quran Magazine , No. 1, First year, Ahvaz University.

- Yazdani Khoram(1386A.H), Mehdi, An Essay on Ismail Fasih, Etemad Magazine, No. 21, April.

- [https://ar.wikipedia.org <wiki>](https://ar.wikipedia.org/wiki/Ismael_Fasih), Ismail Fasih.

(مُلخَصُ البَحْث)

إن للترجمة دور كبير في انتقال المعلومات وتبادل الثقافة والأدب بين الشعوب وبخاصة ترجمة النصوص الأدبية التي لها مميزات ولطائف ومع هذا تواجهها بعض الصعوبات أيضاً. يجب أن يمتلك مترجم النصوص الأدبية ميزات خاصة يكون نتاجها الفهم الدقيق والعميق للغة المبدأ والتمكن الكافي من لغة المقصد لترجمة معاني النصوص الأدبية و مفاهيمها.

لقد تناولنا في هذا البحث بالدراسة والنقد لنماذج من أخطاء الترجمة لرواية اسماعيل فصيح (شتاء ٨٤) التي ترجمها الى اللغة العربية الاستاذ محمد علاء الدين منصور. وقد حاولنا في هذا البحث كشف ما اعترى هذه الرواية من أخطاء وعيوب ، مبيين فيه أهمية هذه الرواية و مكانتها بين الروايات الفارسية المعاصرة من حيث الحقبة الزمنية التي كتبت فيها ، الا وهي حقبة الثمانينات من القرن الماضي التي ألقت الحرب العراقية الايرانية خلالها بظلالها وانعكاساتها على المجتمع الايراني ، وبخاصة جنوب ايران حيث دارت هناك وقائع هذه الرواية. ولما كانت ترجمة الاستاذ محمد علاء الدين منصور لهذه الرواية مشتملة على أخطاء لا يمكن غض النظر عنها ، فقد اتخذ الباحث منها أنموذجاً لدراسة مشاكل ومعوقات الترجمة بين العربية والفارسية في عصرنا الحاضر.

الكلمات المحورية : نقد الترجمة ، اسماعيل فصيح ، محمد علاء الدين منصور ،

رواية شتاء ٨٤

Criticism and Study of Mohammed Aladdin Mansour's Translation of Ismail Fasih's Novel Titled (Winter of 84)

Instructor Dr. Rafal Muwaffaq Abdulhadi
Dept. of Persian Language/ College of Languages/ University of Baghdad
rafal.al-hadi@colang.uobaghdad.edu.iq

Abstract:

Translation has an important role in the transmission of information , exchanging culture and literature among nations, notably the translation of literary texts which have features and characteristics. However, translation faces some difficulties too. The translator of literary texts should have special competencies that result in deep and accurate understanding of the source text and the adequate command of the target language in order to translate the meaning of literary texts and their concepts.

In this paper mistranslation samples in the Arabic translation by **Mohammed Aladdin Mansour** for **Ismail Fasih's Novel Titled (Winter 84)** were studied and criticized . An attempt has been made in this paper to examine the defects and mistakes that occurred in this novel pointing out the importance of this novel and its standing among modern Persian novels in terms of the time period in which it was written, that is the eighties of the past century in which the Iranian -Iraqi war cast its shadows and reflections on the southern Iranian society in particular where the novels events took place. Since the translation of this novel has mistakes that cannot be ignored the researcher has made it an example to study the problems and challenges of translation between Arabic and Persian in our present time.

Key words: translation criticism, Ismail Fasih, Mohammed Aladdin Mansour, (Winter of 84) Novel